

میدون و سوفیا

عزت طنزنویسی ایران!



پوریا عالمی

● سوفیا... عشقم... من چه نامه‌ای دارم برای تو بنویسم که هرجا بنویسم فیلتر است. اما راستش ما چون معتقد به شایسته‌سالاری هستیم، دیدیم عزت‌الله ضرغامی حرف‌هایی زده که حیف است در ستون ما منتشر نشود. ضرغامی درباره فیلترینگ گفته: اگر نظام و دولت و مجلس، این فضا را مدیریت کند این اسمش فیلترینگ نیست.

آقاعزت ضرغامی اضافه کرده: فیلترینگ، آن است که در یک جلسه تخصصی می‌خواهید حرفتان را بزنید، اما اجازه ندهند و تحمل یک نقد سازنده را در یک جلسه کارشناسی نداشته باشند، این فیلترینگ است. اما آنکه ما می‌گوییم مدیریت کنیم و کاری کنیم که این امکان در اختیار مردم نباید کجایش فیلترینگ است؟ اینها باید روشنگری شود، چون در دست و پای حرف‌های سیاسی می‌افتد و بعضی‌ها هم که روش کارمندی دارند مزد می‌گیرند و مطلب می‌زنند.

ضرغامی آرایه‌های ادبی هم به کار برده: بعضی آقایان که می‌بینید بدمستی می‌کنند چیزی نمی‌خورند، بلکه کافی است یک ذره برایشان اطلاعاتی برسد یا بخش مثبت آن یک قطره از آن شراب که مربوط هست به رودخانه ابرار می‌زنند همان یک قطره کاری می‌کند که کن‌فیکون می‌شود.

سوفیا... عشقم... در پایان نامه

۱- با تقدیر از آقای عزت ضرغامی که سال‌ها رئیس صداوسیما بود و همان‌طور که می‌دانید، صداوسیما از آزادترین و بی‌فیلترینگ رسانه‌های کهنشمار راه شیری است، ۲- با تشکر از این مرد بزرگ که رئیس صداوسیما بوده، اما برای اینکه مردم حرفش را بشنوند باید توی اینستاگرام حرف بزند! ۳- با توجه به استعداد او در سخنرانی رسماً از آقاعزت دعوت می‌کنم بیاید روزانه در صفحه آخر و جای ستون من بنویسد تا لااقل اگر برنامه‌های تلویزیونشان اوقات مردم را تلخ می‌کند، حرف‌های آقاعزت دل مردم را شاد کند!

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ • ۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ • ۶ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۶۲ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۵ • اذان صبح فردا ۵:۳۵ • طلوع آفتاب ۷:۰۰

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس



یادداشت

بازی سیاست بادین

دیدار پاپ از آن کشور برگ‌برنده‌ای برای سعودی است که از آن در برابر بحران‌های سیاسی‌اش استفاده می‌کند.من به‌عنوان کسی که سال‌هاست در حوزه‌گفت‌وگویی ادیان تلاش می‌کنم، به صورت کلی از دیدارهای رهبران ادیان خوشحال می‌شوم. خاورمیانه بدون ادیان گوناگون، بیشتر از هر چیزی برای خود جایگاه مردم این منطقه خطرناک است. اما بازی سیاسی با دین را آفت همه ادیان می‌دانم. دعوت از پاپ برای دیدار از عربستان سعودی در شرایط فعلی یک بازی دوطرفه با دین برای نادیده‌گرفتن مبانی اعتقادی است که هم مسیحیان اصیل و هم مسلمانان سعودی و منطقه قانون این بازی را می‌فهمند و از حراج‌کردن مسیحیت و اسلام برای سیاست رنج می‌برند. یک‌بار دیگر هم سعودی‌ها به هنگام اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی از این حربه استفاده کردند و برای خارج‌کردن شوروی و برای حمایت از آمریکا، فریاد حی علی الجهاد سر دادند و از نیروهای مذهبی به‌عنوان مبارزه با کفر استفاده کردند و از میان آن حمایت، طالبان سر برآورد. از مسیحیان، یهودیان و پیروان همه ادیانی که فرزندان این منطقه هستند باید حمایت شهروندی کرد، اما از دین نباید برای بازی‌های سیاسی منطقه‌ای استفاده کرد.

گردشگر فرهنگی

جریان سیال ذهن یک راوی نامعتبر در «ناگهان درخت»

معلوم است که فرهاد برای بازجو آن «مزخرفات!» را نوشته. او حتما توصیف‌های دیگری (و احتمالا در دفاع از خودش) بر کاغذ نوشته. برای همین به بازجو قول می‌دهد دفعه بعد مفصل‌تر بنویسم. ذهن‌های منجمد جلوی سیالیت را سد می‌کنند و ذهن‌های رها به آن اجازه پرواز می‌دهند و این چنین است که ما شخصیت فرهاد را از کودکی می‌بینیم که ذهنی رها دارد. در سیالیت ذهن، آدم معمولا رنج‌ها را در فراخانی حافظه دفن می‌کند و لذت‌ها را باقی می‌گذارد. برای همین است که یک نسیم بیشتر از کتکی که از مدیر مدرسه خورده‌ایم در یادمان می‌ماند و بقیه‌اش می‌رود در ناخودکاه تا زمانی، آن هم بی‌وقت، سر بیرون بیاورد. مثل سکانس راه‌رفتن فرهاد و مهتاب در کنار دریا و حضور پلیس و بازجوی سال‌ها قبل در قایقی در دریا.اتفاقا ما همین‌گونه زندگی می‌کنیم؛ در رفت‌وبرگشت‌های زمانی در سیالیت ذهنمان. هر نکته کوچک خاطره یا رؤیایی را در ذهن ما بازنمایی می‌کند. زمانی بود که در ادبیات رئالیسم خشک‌وخالی ما را عادت داده بود که زندگی واقعی را نخوانیم، اما ظهور تخرله‌های روایی مختلف این زندگی واقعی (یعنی زندگی توامان در ذهن و بیرون آن) را برانمان بازنمایی کرد. خواندن این نوع روایت‌ها سخت بود، فقط چون عادت نداشتیم. چیز عجیبی نیست. ویلیام فاکنر وقتی «خشم و هیاهو» را بار اول نوشت، بخش سومش را که راوی سوم‌شخص داشت، نوشته بود. همه گفتند ما نفهمیدیم داستان چه بود و فاکنر بخش سوم را نوشت، ولی از خشم و هیاهو نزدیک صد سال می‌گذرد. ما دیگر نباید درک یک متن سیال ذهن محتاج روایت سراسرت سوم‌شخص مفرد باشیم.



جشنواره بهار در زمستان

برگزار می‌کنند که آن را چونبجی یا «جشنواره بهار» می‌نامند که با آن به استقبال بهار می‌روند و مقدم کشت و زرع تازه را گرامی می‌دارند. در آغاز این سال نو، چنان‌که از مبدعان فن آتش‌بازی و نورافشانی انتظار می‌رود، بزرگ‌ترین مجموعه آتش‌بازی‌های سراسر دنیا برگزار می‌شود و البته در مراسمی که مبنای آن بی‌شابهت به چهارشنبه‌سوری ما نیست، کاغذهای شبیه به پول و اوراق طلائی را می‌سوزانند و در مراسمی نزدیک به جشن جوسپوک در کره و جشن مردگان مکزیک، پیشکش‌هایی برای نیاکان خود در نظر می‌گیرند که معتقدند بخت خوش و رونق و ثروت برایشان به ارمغان می‌آورد.



محمدعلی ابطحی

دیدار پاپ از عربستان و امارات، بازی سیاست با دین است.

حضور عالی‌جناب پاپ در دو کشور امارات متحده عربی و عربستان سعودی یک اتفاق بی‌سابقه و مهم است.این دیدار بیشتر از آنکه در چارچوب مذهبی و گفت‌وگوی ادیانی ارزیابی شود، دیداری سیاسی است. عربستان سعودی کشوری است که بارها اعلام کرده یک نفر مسیحی با اصالت و شناسنامه سعودی در آن وجود ندارد. این نکته‌ای بود که تا یک دهه قبل مقامات سعودی که مرتب عناوین دینی را برای خود انتخاب می‌کردند و پادشاه آن در مراسمی رسمی عنوانش را به خادم‌الرحمین تغییر داد، به آن افتخار می‌کردند.حساسیت منفی مردم کشورهای عربی روی افراد و واژگان مسیحی که با توجه به مشکلات تاریخی بیشتر از آنان به‌عنوان صلیبی یاد می‌کردند یا بنا به دلایل دینی به‌جای مسیحی آنان را نصاری می‌خواندند بسیار بالا بود. اکنون که این کارت سبز به پاپ داده شده تا از این دو کشور و به‌خصوص عربستان سعودی دیدار



لیلی فرهادپور

جریان سیال ذهن یکی از روایت‌های جذاب و مدرن است که در ادبیات، آثاری مثال‌زدنی برجا گذاشته. وقتی این سبک روایی را بدهیم دست یک راوی غیرقابل‌اعتماد (Unreliable narrator) آن‌وقت روایت ما خاص‌تر و جذاب‌تر می‌شود. در ادبیات، از «خشم و هیاهو»ی فاکنر تا «شازده‌احتجاج» گلشیری، مثال‌هایی از این نوع روایت هستند و اگر کسی ادعا کند که این دو اثر را یک‌بار خوانده و درک کرده واقعا نمونه بارز یک راوی غیرقابل‌اعتماد خواهد بود.

«ناگهان درخت» صفی یزدانیان یک نمونه کامل از این نوع روایت است. در سیمای ایران استفاده از این نوع روایت را ندیدم (یا به یاد نمی‌آورم) اما از آنورایی‌ها، وودی آلن در «روزگار رادیویی» این کار را کرده است. در تعریف جریان سیال ذهن آورده‌اند که «جریان سیال ذهن شکل خاصی از روایت داستان است که مشخصه‌های اصلی آن پرش‌های زمانی پی‌درپی، درهم‌ریختگی دستوری و نشانه‌گذاری، تبعیت از زمان ذهنی شخصیت داستان و گاه نوعی شعرگونگی در زبان است که به دلیل انعکاس ذهنیات مرحله پیش از گفتار شخصیت رخ می‌دهد» که تمام این ویژگی‌ها در «ناگهان درخت» کاملاً قابل مشاهده است.

صفی یزدانیان از همان سکانس اول به طور ضمنی به ما می‌گوید: «آماده باشید اکنون فیلمی ذهنی با فانتزی‌های هستی‌شناسانه نشانتان می‌دهم!» در آنجا که فرهاد (با بازی پیمان معادی) نوزادی را بغل می‌کند و می‌گوید: من زاییدم! در اسطوره‌های یونانی زئوس نیز آثا را از سر خود زایید، برای آنکه عقده و حسرت نازا (به‌وجودآوردن) بودنش را جبران کند و اینجا نه‌تنها فرهاد انتهای ناکامی یک مرد را در ذهنش به کامیابی می‌رساند، بلکه قرارداد دیدن فیلم برای مخاطب گذاشته می‌شود.

در خلاصه فیلم آمده است که فرهاد زندگی خود را از کودکی تا ۵۰ سالگی تعریف (روایت) می‌کند. روایت، بازنمایی اتفاقی است، اما بازنمایی هر حقیقت و اتفاقی یکسان نیست. آیا در جنگلی از روایت‌ها از یک اتفاق، می‌توان راوی معتبری هم یافت؟ به کدام روایت می‌توان اعتماد کرد؟ هیچ‌کس همه حقیقت را در روایت خودش نمی‌گوید، چه برسد به کسی که مجبور شده به هر دلیلی پیش‌روان‌کاو برود و اینجااست که در جواب سؤالات روان‌کاو، ذهن سیال به همه‌جا می‌رود و به‌خصوص به کودکی و خاطرات

دیروز یک‌پنجم مردم دنیا پاپ درواقع چینی‌ها در هر گوشه دنیا که بوده‌اند؛ از باختر تا خاور آغاز سال نو چین را جشن گرفتند، به همین دلیل گولگ، لوگوئی خاص آن را طرح کرد و در صدر ترندهای جهان بوده است. شخصیت‌های مهم جهان آغاز سال نو چین را تبریک گفته‌اند؛ از صادق‌خان تا مردم عادی.

سال نو چینی در تقویم خود این مردمان شرق آسیا (چین، کره شمالی و ویتنام) و بر مبنای ترتیب ۱۲ اگانه حیوانات تکرار‌شونده در آن تقویم، ۲۰۱۹ سال خوک مشخص شده است. این تقویم نه با گاه‌شماری دقیق نجومی ایرانیان که به شکلی